

حمداً لمن لاح برهانه و ظهر سلطانه و عم احسانه ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۰۰۵

هو الأبهی

حمداً لمن لاح برهانه و ظهر سلطانه و عم احسانه و بانت محبته البيضاء و ظهر شریعته السمحاء و كشف الغطاء و اجزل في العطاء و سمح بالموهبة الكبرى و اتى بيوم اللقاء و جعل الغبراء غبطة للخضراء و اختار حقائق نوراء و افاض عليهم في مشهد الكبرياء نوراً استضاء به الأرض و السماء فانجذبت و اهتزت و انشاحت و خشعت و سجدت و توقدت بالشعلة النورانية و اللمعة الرحمانية في شجرة سينا في البقعة النوراء التي انتشرت منها نفحات تعطرت بها الأرجاء و عبت على الآفاق فأحيت قلوب اهل الوفاق و انعشت ارواح اهل الاشرار و البهائم و التناء و التحية و العطاء على الجوهرة الفريدة العصماء و الدرّة الدرهرمة الزهراء و الهوية المتشعشة البراء الحقيقة الجامعة الذكاء اللامعة القلزم الخضم الموج و الماء الطهور الثجاج الشجرة المباركة المقدسة التي اصلها ثابت و فرعها في السماء و وثقى اكلها في كل حين

الهي الهی ترانی واضعاً جبینی علی تراب الذلّ و الانكسار و اعفر وجهی بغبار فناء احدیتک یا ربی المختار خاضعاً خاشعاً متذلاً متضرعاً مبتهلاً الى ملکوت انوارک فی اللیل و النهار ان تنظر الینا بعین عنایتک و لحظات طرف رحمانیتک و تغفر لنا ذنوبنا و خطایانا و تعاملنا بفضلك و جودک فی کلّ الأحوال ربنا انا خطاة و انت الغفور الرحیم و نحن عصاة و انت التواب الکریم فاغفر لنا ذنوبنا و اکشف عنا کروبنا و قدر لنا برحمتک الانقطاع عن الدنیا و الاشتغال بذكرک و الاشتعال بنار محبتک و المداومة فی مشاهدة آیاتک و معرفة کلماتک و الامعان فی آثارک و الاقتباس من انوارک

ربّ ربّ هؤلاء عباد اخلصوا لوجهک و جوههم و انحصر فی فضلك و عطائک سرورهم و حبورهم و اشدد ظهورهم علی طاعتک و قوّ ازورهم علی عبادتک و اشرح صدورهم بنفحات قدسک و قدر لهم حضورهم فی جنّة لقائک و اجعلهم عباداً یرتلون آیات التوحید فی مجامع ذکرک و یقتبسون انوار التفرید من مشکاة فیضک و یجذبون الی جمالك و یخضعون لجلالک و یرکون ما دونک و یعتمدون علی صونک و عونک و یخضعون لکلماتک و یخشعون لأحبتک و ینشرون لنفحاتک و یکشفون لسبحاتک و یفهمون اشاراتک و یفرحون من بشاراتک أنّک انت المقتدر علی ما تشاء تعطی من تشاء و تمنع من تشاء و ترزق من تشاء بیدک الملک و الملکوت أنّک انت القویّ العزیز المحبوب



ORIGINAL

ای احبای الهی و ای یاران عزیز عبدالبهاء جام میثاق سرشار است و فیض موهبت کوکب اشراق از جهان پنهان چون مه تابان ظاهر و باهر در آفاق بارقه صبح هدی منتشر است و نیر فیض جمال ابهی مستمر و مشتهر صیت بزرگواری اسم اعظم بشرق و غرب رسیده و آوازه امر جمال قدم جنوب و شمال را احاطه کرده نفحات قدس در مرور است و نسیم حیات در هبوب کلمه الله مرتفع است و عزت ابدیه مکتشف سراج احدیت ساطع است و شعله رحمانیت لامع از جمیع اقطار ندای یابهاء الابهی بلند است و در خاور و باختر تعالیم الهی حیرتبخش هر هوشمند اوراق حوادث در افریک و امریک و اروپ بعضی بنعت و ستایش مشغول و برخی بایقظا ملل مألوف و بحیرت موصوف که این امر بسیار خطیر و مخوف بعضی اظهار تعجب نمایند و برخی از شدت تأسف شکایت رانند قومی گویند که حضرت مسیح حین صعود در ظلش نفوس معدوده بود با وجود این صیتش جهانگیر گشت و آوازه اش بفلک اثر رسید اما جمال قدم روحی لأحبائه الفداء حین صعود مات و الوف در ظل رایت عظمتش محشور دیگر معلومست که در استقبال چه قیامتی برپا خواهد شد و اعظم یاران حضرت روح پطرس عظیم بود با وجود این پیش از صعود مضطرب گشت و بخوف و هراس افتاد اما اسم اعظم روحی لأحبائه الفداء هزاران نفوس در سبیلش رقص کمان کف زنان پاکوبان جانفشانی نمودند و بمشهد فدا شتافتند باری امور در این مرکز است دیگر معلومست که احبای الهی الیوم چه سان جانفشانی باید نمایند و بتبلیغ محتجبین پردازند نشر رائحه طیبه کنند و شعله نورانیه برافروزند و لمعه رحمانیه ظاهر نمایند

ای یاران الهی بعد از عروج جمال رحمانی آیا سزاوار است دمی بیسائیم یا محفلی بیارائیم یا نفس راحتی بکشیم یا شهد مسرتی بچشمیم یا سر ببالین آسایش بنهیم و یا آرایش و آرایش جهان آفرینش بجوئیم لا والله این نه شرط وفاست و نه لایق و سزاوار پس ای یاران بدل و جان آرزوی خدمت آستان نمائید و مانند راستان پاسبان عتبه رحمن گردید و خدمت عتبه مقدسه نشر نفحات است و بیان آیات بینات و عبودیت درگاه احدیت و بندگی بارگاه رحمانیت ملاحظه فرمائید که یاران حضرت روح روحی له الفداء بعد از صعود بچه انقطاعی و انجدایی و اشتعالی باعلاء کلمه الله قیام نمودند از فضل حق امیدواریم که ما نیز پی آن پاکان گیریم و بقربانگاه عشق وجدگان بشتابیم اینست فضل موفور اینست موهبت حضرت رب غفور در این ایام در نشر تعالیم الهی در بعضی جهات قدری فتور حاصل و این سبب غم و اندوه ملاً اعلی گشته زیرا اهل ملکوت ابهی منتظر و مترصد آند که هر یک از ما بوفای قیام نمائیم و در محبت اسم اعظم تحمل هر بلا و جفا بنمائیم بعضی از یاران رحمانی راحت و آسایش جسمانی خویش را ترک نمودند و در بلاد شهر بشهر بلکه قریه بقریه بنشر نفحات الله پرداختند آن نفوس پاک جان مظهر تحسین ملاً اعلی گشتند روحی لهم الفداء که بچنین موهبت کبری موقت شدند ایام را بتعب و مشقت کبری گذراندند و انفاس را در هدایت غافلان صرف نمودند

ای یاران وقت راحت و آسایش نیست و زمان صمت و سکون نه عندلیب گلشن وفا را نغمه و الحان بدیع لازم و طوطی شکرشکن هدی را نطق بلیغ واجب سراج را نور و شعاع فرض است و نجوم را درخشندگی مستمر حتم دریا را موج باید و طیور را اوج شاید لالی را لمعان لازم و ازهار ریاض عرفان را بوی مشکبار واجب از فضل حی قدیم امید چنانست که کل بر آنچه باید و شاید موقت گردیم ای احبای الهی تعالیم الهی مورث حیات ابدیست و سبب روشنائی عالم انسان صلح و صلاحست و محبت و امان تأسیس آشتی و راستی و دوستی در جهان آفرینش است و واسطه اتحاد و اتفاق و التیام و ارتباط در میان عموم افراد انسان لهذا باید که اساسی در این جهان نیستی بنهید که سبب هستی بی پایان گردد و علت نورانیت عالم امکان شود با جمیع امم و ملل عالم در نهایت محبت و مهربانی سلوک و حرکت لازمست و با کافه فرق مختلفه نهایت مودت و مرحمت و مروّت و اعانت و رعایت واجب هر دردی را درمان شوید و هر زخمی را مرهم و

سبب التیام هر ضعیفی را ظهور گردید و هر فقیری را معین و دستگیر هر خائفی را کھف منیع شوید و هر مضطربی را ملاذی رفیع در این مقام ملاحظه و امتیاز هر چند جائز ولی در این کور عظیم محبوب و مقبول چنانست که نظر از حدودات بشر برداشته شود و یاران مظاهر رحیم و رحمن گردند و نوع انسان را خدمت حتی حیوان را مواظبت نمایند و رحمته سبقت کل شیء

ای یاران الهی از فساد پرهیزید و از نائره فتن احتراز نمائید زیرا جهانسوز است و سبب هدم بنیان الهی در شب و روز از اهل فساد بکلی نگاره جوئید و جز محبت و اطاعت و صداقت و امانت را افسانه شمردید زیرا بعضی نفوس اغراض مکنونه در دل دارند و بهانهائی جویند و فتنهائی اندازند و فسادی برپا نمایند و بظاهر اظهار حمیت و آرزوی حریت نمایند و حال آنکه منوی ضمیر چیز دیگر است و مقصد دیگر لهذا احبای الهی باید از اینگونه نفوس و از این قبیل امور بکلی اجتناب کنند اطاعت اولیای امور علی الخصوص اعلیحضرت شهبیار موجود کنند زیرا سریر تاجداری امروز بوجود شخص عادلی مزین است و مسند صدارت بوجود دستور مهربانی آراسته جمیع تعدیات از اشخاصی است که بظاهر آراسته و بحقیقت کاسته و خویش را در لباس علم درآورده و مانند علت کابوس بر این ملت مایوس مسلط گشته جمیع را بعوائد قدیمه و قواعد سقیمه دعوت مینمایند و مانع عزت دولت و ترقی ملت هستند دعا کنید که حیّ قدیر این نفوس را از خواب غفلت بیدار نماید و غمخوار بیچارگان گرداند این را بدانید که ترقی ملت منوط بنفوذ و عزت و قوت دولت است و قوت دولت مشروط بعلویت و ثروت و سعادت ملت این دو توأم است بعضی بیخردان را چنان گمان که اگر در نفوذ حکومت خلل و فتوری حاصل شود آسایش و حبور رخ بگشاید نچنان است آنچه نفوذ حکومت عادلانه بیشتر گردد ملت قدم پیشتر نهد و هذا امر محتوم لا یتردّد فیہ الا کلّ جهول و ظلوم

ای احبای الهی وقت محویت و فناست و هنگام عبودیت و وفا نهایت عروج این عباد مقام بندگی حضرت یزدانست اگر در درگاه عبودیت مقبول گردد یا حبذا هذه الموهبة الكبرى والا هو مایوس من رحمة الله لهذا عبدالبهء را نهایت آمال و آرزو چنانست که در این فضا پر و بالی بگشاید و در این میدان بشتابد و از این صہبا نشئه بینتها یابد سرمست این جام گردد و از این مدام کام دل و جان طلبد و هر ذکری جز این ذکر محبوب محتوم سبب کمال حزن و اندوه است و علت شدت اسف و حسرت غیر محدود از یاران الهی استدعا مینماید که شب و روز بملکوت الهی بزارند و بنالند تا عبودیت این عبد در آن آستان مقبول افتد

ای احبای الهی اگر سرور و حبور و آسایش جان و راحت وجدان عبدالبهء را خواهید بر اتحاد و اتفاق بیفزائید و جمیع امواج یک بحر گردید و قطرات یک نہر گلہای یک گلشن گردید و حلقه‌های یک جوشن در یک هوا پرواز نمائید و بیک نغمه و آواز ترنم‌ساز این سبب سرور ابدی است و راحت قلب در جهان سرمدی این عبد همواره از شرور اهل فتور در خطری عظیم است و در بلائی عقیم امید بقا در ایام معدودی نه و خوف و بیم آن دارم که حصن حصین را از اختلاف جزئی بین احبای رخنه عظیم حاصل گردد لهذا الیوم خدمتی اعظم از اتحاد و اتفاق احبای نیست هذا امر مبرور و هذا هو الفوز العظیم و الفيض المبین للمستظّلین فی ظلّ شجرة الطور

جناب امین علیه بهاء الله الأبهی از یوم ورود باین بقعه نورا چه در انجمن احبای و چه در نزد عبدالبهء جمیع اوقات را بستایش یاران و محمّدت دوستان گذراند زبان را بتوصیف هر یک بگشاد و شرح بسیطی از ثبوت و استقامت احبای و اماء

الرَّحْمَنُ فِي بِلْدَانِ وَقَرْيَةِ بِيَانِ نَمُودَ وَازِ اِيْنِ عِبْدِ خَوَاشِ كَرْدَ وَبِالنِّيَابَةِ اَزْ جَمِيْعِ دُوسْتَانِ اَلْهِي جَبِيْنِ بِرْ عَتَبَةِ مَبَارَكَةِ نِهَادِ وَ
زِيَارَتِ نَمُودَ وَطَلَبِ تَأْيِيْدِ وَتَوْفِيْقِ كَرْدَ وَعَلَيْكُمْ التَّحِيَّةُ وَالتَّنَاءُ ع